

# تابستان داغ ۵۳

## علیه سوسياليسم

### در شرق برلین

کنستانتنین یروفیف

ترجمه و تلخیص: کیوان خسروی

"تابستان داغ ۱۹۵۳" نامه مقاله ایست که "کنستانتنین یروفیف" درباره شورش ۱۹۵۳ در برلن دمکراتیک نوشته است. پس از جنگ آلمان به دو قسمت تقسیم شده بود و برلین نیز به دو قسمت. در این دو بخش، دو نظام و سیستم حاکم شد. یکی سوسيالیستی و دیگری سرمایه داری. هم در دو برلین و هم در دو آلمان. البته هم برلین شرقی تابع دولت آلمان دمکراتیک بود و هم برلین غربی تابع دولت سرمایه داری در این بخش از آلمان. در آن تابستان، سازمان های جاسوسی کشورهای انگلیس، امریکا و حتی فرانسه که در کنار دولت جدید آلمان غربی اختیار برلین را در اختیار داشتند، شورش بزرگی را توانستند در بخش شرقی برلین سازمان بدهند که می‌رفت تا دولت سوسيالیستی را در برلین و بدنبل آن در سراسر آلمان شرقی و دمکراتیک در پی داشته باشد. آن شورش به کمک ارتش سرخ اتحاد شوروی وقت سرکوب شد و پس از همین شورش و برای جلوگیری از تکرار توطئه هائی که در برلین غربی علیه برلین شرقی ریخته می‌شد، دیوار معروف برلین توسط دولت سوسيالیستی آلمان دمکراتیک ساخته شد.

نویسنده مقاله "تابستان داغ ۱۹۵۳" در باره این واقعه ارزیابی و اطلاعات خود را نوشته است و گزارش را از پایان جنگ دوم جهانی و باقی ماندن آلمان ویران شده و شکست خورد از ارتش اتحاد شوروی که بخش شرقی آلمان را فتح کرده و فاتح نیمی از برلین نیز بود شروع کرده است. آن شورش ضد سوسيالیستی در این تابستان روی داد. در سالهای فروپاشی اتحاد شوروی در دوران گرباچف و یلتین، آلمان دمکراتیک نیز از درون فرو ریخت و هر دو بخش آلمان دارای یک دولت واحد شدند. دولتی تابع سیستم سرمایه داری. در حقیقت آلمان غربی توانست آلمان شرقی را فتح کند. آن هیجان اولیه ناشی از فرو ریختن دیوار برلن و یکی شدن دو آلمان که با خوش خیالی مردم آلمان شرقی در زیر بمباران تبلیغاتی امریکا و اروپا و بویژه دولت آلمان سرمایه داری ممکن شد، اکنون سمت گیری دیگری دارد. نارضائی از سیستم سرمایه داری، بیکاری، گرانی، تبعیض و اختلاف طبقاتی، علیرغم تبلیغاتی بی وقه شبکه های تلویزیونی آلمان نه تنها رو به رشد است، بلکه بصورت رشد احزاب چپ و حتی حزب شکست خورده آلمان دمکراتیک خود را نشان میدهد. با این مقدمه، مقاله "تابستان داغ..." بویژه برای نسل جوان ایران که شاید از گذشته اطلاعات کاملی نداشته باشد قابل درک تر می‌شود:

مردم آلمان بخاطر جنایت بی سابقه جنگ جهانی دوم متحمل مجازات سخت شدند. شرایط تحریر آمیز صلح، شهرهای تخریب شده توسط جنگ، بی قانونی و زندگی نیمه گرسنه، الحال مناطق و غرامت چند میلیاردی، تقسیم کشور به چهار منطقه اشغالی. متفقین ائتلاف ضد هیتلری از آلمان تارومارشده، تکنیک و تجهیزات را خارج کردند، ناوها و پل های پانتون را بهمراه لنگرگاه ها بیرون برندند. صدها هزار اسیر برای کارهای بازسازی در بسیاری کشورهای اروپا کارکردند.

اما کشور برای عادی کردن زندگی نیرو و توان زیادی را صرف کرد. طبق « طرح مارشال » آمریکایی ها و انگلیسی ها ضمن حل مسائل متنوع و تسریع رشد اقتصاد شخصی و ایجاد بازار فروش کالاهای خود، برای ایجاد زیربنای پایگاه های نظامی و میادین تیراندازی خود هزینه های هنگفتی را صرف کردند و در خاک آلمان شعبات کوپراسیون سراسری اقیانوس اطلس تشکیل دادند.

ارتش سوروی اما مواد غذایی وارد کرد و مادران و کودکانی را که پس از ازدست دادن نان آوران خود در نزدیکی های استالینگراد و قفقاز یتیم شده بودند خوراک داد، مترو را بازسازی کرد و **۲۰۰ هزار نفر** از ساکنان برلین و سربازان ارتش هیتلری را که طبق آخرین فرمان هیتلر امکن آنها به آب بسته و نابود شده و خود آنها زنده دفن شده بودند بیرون آورد. تابلوهای گالری شهر "درزدن" را که توسط نازیها به حال خود رها شده بود، ترمیم و نجات داد و بیمارستان ها، دانشگاه ها و مدارس را بازسازی کرد. جالب اینجاست که نخستین تظاهرات آلمانی ها علیه حاکمیت های اشغالی در سال ۱۹۴۷ در منطقه اشغالی انگلیسی ها با شعار: "کارگران آلمانی گرسنگی دیدند" روی داد.

طبق اطلاعات علنی شده در دهه ۹۰ ، انحطاط و سقوط اخلاقی سربازان انگلیسی چنان بود که بسیاری از آنها از ارتش فرار کردند و برخی به منطقه اشغالی سوروی گریختند. اغتشاشات و ناارامی های کارگران آلمانی در ماه مارس سال ۱۹۴۷ در "برانشوایگ" شروع شد و طبق اطلاعات سازمان اطلاعاتی سوروی سه ماه کامل ادامه داشت. تظاهرکنندگان به نظمیان انگلیسی حمله کردند، سالن های غذاخوری و انبارها را غارت کردند و توسط خانواده های گرسنه آلمانی مواد غذایی برده میشد. هدف از تصرف سالن های غذاخوری افسران و سربازان بودند. آلمانی ها خواربار را به همراه خود به خانه می برند و همین که در شهر تانک ها وارد و تظاهرکنندگان تهدید به تیراندازی میشدند، اوضاع کمی تغییر می کرد.

آمریکایی ها هم پیراهن چرک خود را جلوی همسایه ها پهن نمی کردند. در شرق آلمان سیل تبلیغات درباره سیری و رفاه، دمکراسی و آزادی فرو ریخت. آلمانی های منطقه شرق در برلین هنوز تقسیم نشده شاهد جشن زندگی که شامل مسابقه زیبایی دختران و فیلم های سینمایی و چراغ ها و نور های رنگین کازینوها و بار هامیشد، بودند.

ماهرانه نقشه تحقیر کردن آلمانی ها شدت یافت و پی در پی درباره «سنگدلی و بی رحمی» روس ها تبلیغ شروع شد. رسانه های غربی تلقین می کردند که اتحاد منطقه تقسیم شده آلمان و معجزه اقتصادی آلمان تنها با ازبین بردن حزب سوسیالیست متحده آلمان طرفدار شوروی، فرا خواهد رسید. گذشته از این فعالانه قدرت نظامی نمایش داده میشد و حضور نظامی انگلیسی - آمریکایی در طول مرز جمهوری دمکراتیک آلمان افزایش یافت. مانور های نظامی در مقیاس وسیع انجام می گرفت و این فکر تلقین شد که دمکراسی غربی می تواند ایده آلهای خود را پاسداری کند.

نفوذ هزاران جاسوس و صد ها خرابکار (منجمله از افراد سابق اس اس) تدارک دیده شد. در برلین غربی بلادرنگ « سازمان های غیردولتی » روسی - آلمانی NTS، « گروه مبارزه علیه بی رحمی »، « بوروی خاور » و « شورای جوانان آلمان » ایجاد شد. برنامه « طرح نارنجی » را رئیس معلوم الحال سازمان سیای آمریکا بنام "آلن دالس" هدایت می کرد. روش ها و متد های "دالس" ماهرانه در منطقه بالتیک، یوگسلاوی، گرجستان، مالداوی و اوکرائین به کار برده شد.

در مارس سال ۱۹۵۳ بهمراه مرگ ای.و.استالین بحث در حزب سوسیالیست متحده آلمان شدت یافت. برخی حزبی های خود پسند و روشنفکران لیبرال نزدیک به حزب، آشکارا بنای مطالبه « استالین زدایی » و دمکراتیزه کردن را گذاشتند. رهبران حزبی تعلل ورزیدند.

بهار سال ۱۹۵۳ میزان تولیدات صنعتی به ۱۰ درصد افزایش یافت و ۱۱-۱۲ ژوئن اعتراضات هنوز کوچک کارگران موسسات ساختمانی آغاز شد. تحت کنترل سازمان سیا،

ایستگاه رادیوئی آلمان غربی در شب ۱۶ تا ۱۷ ژوئن به ارسال فرآخوان ها و شعارهایی برای سازمان های سراسری اعتصابیون در جمهوری دمکراتیک آلمان آغاز کرد. به خاک جمهوری دمکراتیک آلمان صدھا کارکنان مسلح سرویس های ویژه غرب نفوذ داده شدند. تاریخ نگاران اکنون توافق نظر دارند به اینکه درغرب با دقت عملیات نظامی در مقیاس بزرگ مبنی بر جدا کردن جمهوری دمکراتیک آلمان از منطقه نفوذ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تدارک دیده شده بود. ۱۷ ژوئن ۱۹۵۳ در برلین و سایر شهرها موسسات صنعتی کار را تعطیل کردند. تظاهرات خیابانی کارگران آغاز شد و دانشجویان و لومپن ها به آنها ملحق شدند. حکومت آلمان غربی ستون های ناراضیون را بسیج کرد و در اختیار آنان وسائل حمل و نقل قرارداده شد.

آنگونه که بعدها معلوم شد، «ناراضیون» بخاطر مبلغ ناچیزی در مراکز کاریابی و در پاتوغ های برلین غربی استخدام شده بودند و اما فرمان را سرویس های ویژه که تجربه نظامی داشتند، می دادند.

شب ۱۶ ژوئن جمعیت تظاهر کننده ساختمان کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و خانه دولت را اشغال کردند و سرمیست از بدون مجازات ماندن اعمال خود، چماقداران به ویران کردن همه چیز برسر راه خود مشغول شدند. در دروازه براندنبورگ پرچم سرخ را به زیر کشیدند، کیوسک ها راچپه و معازه ها و اتوموبیل ها را ویران کردن و آتش زدن. ساختمان خدمات گمرکی جمهوری دمکراتیک آلمان تارومار و سوزانده شد و پس از یورش شدید دفتر مرکزی جبهه ملی در میدان تلمان، شورای مرکزی اتحادیه کارگران و خانه انجم دوستی شوروی - آلمان اشغال شدند. پلیس ها و ماموران «اشتازی»، کمونیست ها و کارمندان این اماکن که تا پای مرگ در برابر سورشیان ایستادگی میکردند، توسط جمعیت تظاهر کننده دریده شدند.

در طول شهر اتوموبیل ها با شماره آلمان غربی و دوچرخه های مارک آلمان غربی آزادانه در رفت و آمد بودند. مبلغین مردم را برای بیرون آمدن در روز بعد برای تظاهرات جدید فرا می خوانند. شاهدان حادثه در باره کسانی که در میان جمعیت می گشتند و کسانی که فرمان نظامی در شکل آمریکایی آن می دادند، سخن می گفتند. رهبران حزب سوسیالیست متحده آلمان در پایتخت کنترل اوضاع را از دست داده بودند، اما برای کمک بلاذرنگ به ارتش شوروی در جمهوری دمکراتیک آلمان مراجعه نکردند. بجاست که حق افسران و ژنرال های شوروی را در اینجا ادا کنیم: ... آنها با سرعت اوضاع بحرانی در برلین شرقی را اطلاع دادند. روز ۱۷ ژوئن ۱۹۵۳ ل.پ. برایا تصمیم اصولی گرفت. جلوی بی نظمی را گرفتن. ... نیروهای شوروی طی چند ساعت مرکز دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان را بلوکه کردن و اقدامات قاطع ستون تانک های شوروی آتش تدارک نظامی غرب را خاموش کرد. تانک های شوروی در برلین شرقی با گلوله و بطری های آتش زا رو بروشد. سربازان شوروی که دستور آتش گشودن را نگرفته بودند، توسط دشمن گوئی ها و شعارها گیج بودند. جمعیت تظاهر کننده سرود هیتلری می خواند و شعار «ایوان، گورت را گم کن» میداد.

روز بعد فرمان سری از غرب رسید و دامنه تظاهرات و اغتشاشات به شهر در زدن،

ماگدبورگ و دیگر شهرهای جمهوری دمکراتیک آلمان سرایت کرد. در شهر "هاله" رئیس

سابق اردوگاه نازیستی "ادورن" از زندان آزاد شد. شدیدترین برخورد ها در ماگدبورگ

درگرفت. در "هرلیتس" سورشیان با یورش زندان را گرفتند و همه جنایت کاران را آزاد

کردند.

در خود برلین شرقی تا هشت هزار تظاهر کننده دوباره عازم مرکز شهر شدند. از بخش

آمریکایی برلین برای تظاهر کنندگان برلین شرقی جمعیت بیکاران و عوامل مخفی و یورش

کننده برای کمک رسید. طبق گواهی شاهدان عینی، این جمعیت انبوه رنگارنگ توسط

افسران آمریکایی سازمان یافته بود و در پاره ای همانندی ها این ستون های جمعیت به بطری

های شیشه ای، با بنزین مجهز بودند. اما دیر شده بود. پل ها و همه مراکز حساس شهر تحت کنترل واحد های شوروی قرار گرفته بود و در خیابان ها پاترول های متعدد شوروی و واحد های بازسازی شده بخش هایی از پلیس و نیروهای امنیتی جمهوری دمکراتیک آلمان قرار گرفتند.

قریب به اتفاق تظاهرکنندگان هدف خود را سرنگونی رژیم حاکم حزب سوسیالیست متحده آلمان قرار داده بودند. آنها بویژه مطالبات اقتصادی کاهش قیمت ها و موازن کارگری مطرح می کردند. طی چند روز در بسیاری موسسات حزب سوسیالیست متحده آلمان بسرعت سازمان داده شد. حفاظت مسلح، که نام «سپاه رزمnde طبقه کارگر» را گرفت. ۲۴ ژوئن در برلین متنیگ عمومی جوانان در حمایت از حکومت سوسیالیستی و ۲۵ ژوئن بلوك دمکراتیک احزاب سوسیالیستی و کارمندان ارگان های حافظین قانون که اعتماد خود را به دولت جمهوری دمکراتیک آلمان اعلام داشتند، تشکیل شد.

و اکنون نتایج حاصل از مسئله بالا. از تاریخ ۱۷ تا ۲۹ ژوئن مطابق اطلاعات گوناکون چهل تا ۱۲۵ غیر نظامی به هلاکت رسیدند، ۴۰۰ زخمی و یازده پلیس و فعال حزب سوسیالیست متحده آلمان کشته شدند، صدها نفر زخم برداشت و نقص عضو پیدا کردند. ۹۵۳۰ نفر بازداشت شدند و به حکم جمهوری دمکراتیک آلمان ۴ شورشی تیرباران شدند.

مسئله نوسازی جهان پس از جنگ در دستور روز قرار داشت و «جنگ سرد» با برخوردها و جنگ و جمال ها ناتمام ماند.

اکنون دیگر شوروی شناسان و روس شناسان غرب آشکارا اذعان دارند که در رهبری ناتو در آغاز دهه پنجاه بطور جدی روی سناریوی حمله به اتحادشوری کار شده بود. خاصه آنکه در آن زمان اتحادیه آتلانتیک شمالی برتری قاطع در کلاهک اتمی تعریضی داشت. تشدید برخوردها می توانست منجر به جنگ جهانی سوم و فاجعه جهانی شود. اعمال قاطع نیروهای شوروی آتش در حال شعله ور شدن را خاموش کرد و آب سردی روی سرپرشور «عقاب های» آن سوی اقیانوس ریخت. برای سال های طولانی استراتژی حمله مستقیم به اتحاد شوروی از سوی مaura اقیانوس کنارگذاشته شد.

اتحاد شوروی در اوج اقتدار خود بود و بر احتی توانست از عهده آشوب متدھای نظامی غرب برآید. بلوك سوسیالیستی با تفاق اعتراض می کرد و در خود جمهوری دمکراتیک آلمان هواداران انتخاب سوسیالیستی نیرومند بودند. با وجود این توسط جمهوری دمکراتیک آلمان یک سلسله امتیازهایی داده شد: در سال ۱۹۵۴ حالت اشغال حذف شد و کنترل کمیسار عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در آلمان برکار و فعالیت دولت جمهوری دمکراتیک آلمان کاهش یافت. در ماه اوت سال ۱۹۵۳ وظیفه پرداخت دو و نیم میلیارد غرامت باقی مانده از سوی جمهوری دمکراتیک آلمان لغو شد.

کمک اقتصادی پر حجم و متمرکز از سوی اتحادشوری ادامه یافت. به رهبری نوسازی شده جمهوری دمکراتیک آلمان "و.پیک" وارد شد و رfrm های اقتصادی آغاز شد. برنامه های کنپراسیون و احداث خانه های اجتماعی، واحد های ورزشی، مدارس و استراتگاه ها تحقق بخشیده شد. جمهوری دمکراتیک آلمان در بلوك کشور های سوسیالیستی در موضوع تکامل و حمایت اجتماعی اهالی کشور به مقام نخست رسید.

با وجود این اوضاع عمومی سیاسی در جهان وخیم تر شد. تفرقه و شکاف بین دو دولت آلمان شدت یافت و به مقابله سیاسی و نظامی کشانده شد. حمایت مطلق اتحاد شوروی از دولت آلمان شرقی و انتقاد شدید جمهوری فدراتیو آلمان به رهبری شوروی امکان نداد سیاست خردمندانه و مورد پسند عموم در غرب را اجرا کند. به ناگزیر جهان به «پرده آهنین» تقسیم شد و اتحاد شوروی با خاطر تامین ثبات درونی خود امکان سیاست انعطاف پذیر را از دست داد. بسته شدن بلوك شوروی به مبلغین «شیوه زندگی غربی» این آزادی را داد که بلامانع سوسیالیسم را مورد انتقاد بسیار عریان قرار داده و مردم خود را از «تهدید شرق»

بترساند و در بسیاری موارد ارزش کوشش های اتحاد شوروی در تامین تشنج زدایی و تحديد  
مسابقه تسلیحاتی را کاهش دهد.

راه توده ۱۸۷، ۲۰۰۸